

اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود: آزمون تجربی از

بورس اوراق بهادار تهران

مهدی صفری گرایلی^۱

شیوا پودینه^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با به موقع بودن اعلان سود شرکت‌ها می‌پردازد. بدین منظور، برای سنجش اجتناب مالیاتی از دو سنجح تفاوت دفتری مالیات (BTD) و نرخ موثر مالیاتی (ETR) استفاده گردید. فرضیه تحقیق نیز با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و با بهره‌گیری از الگوی رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های تلفیقی مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی، سبب تأخیر در اعلان سود سالانه شرکت‌ها می‌گردد. یافته‌های تحقیق ضمن پر کردن خلاء تحقیقاتی صورت گرفته در این حوزه می‌تواند برای تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان اطلاعات حسابداری در امر تصمیم‌گیری راهگشا باشد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، تفاوت دفتری مالیات، نرخ موثر مالیاتی، به موقع بودن اعلان سود

۱. استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرگز، (نویسنده مسئول) Mehdi.safari83@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد مؤسسه آموزش عالی حکیم جرجانی، گروه حسابداری، گرگان، shivapoodineh1393@gmail.com

۱- مقدمه

مطالعات صورت گرفته در خصوص سیاست‌های افشاء و انتخاب گزارشگری مالی شرکت‌ها، بخش عمده‌ای از تحقیقات حسابداری را به خود اختصاص داده است. از جمله این تحقیقات می‌توان به پژوهش‌های انجام شده در زمینه اعلان سود سالانه شرکت‌ها اشاره نمود. نتایج این تحقیقات (یگنولی و همکاران، ۲۰۰۲؛ کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹) حاکی از آن است که مدیران همواره درصدد به تاخیر انداختن انتشار اخبار بد در مقایسه با اخبار خوب می‌باشند که در ادبیات حسابداری دلایل متعددی نظیر هزینه‌های گزارشگری خاص (ورچیا، ۱۹۸۳)، تمایل به داشتن فرصت بیشتر برای اعلان اخبار بد (دویل و مجیک، ۲۰۰۹) و امنیت شغلی بیشتر (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹) برای این رفتار مدیران، ارائه شده است. علاوه بر این، بر پایه تحقیقات پیشین فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دلیل دیگری برای تاخیر در اعلان سود سالانه آنها محسوب می‌شود. چرا که چنین فعالیت‌هایی زمان بر بوده و مستلزم پنهان نمودن حقایق و انجام معاملات پیچیده از سوی مدیران شرکت‌ها می‌باشد که این به نوبه خود، سبب تاخیر در اعلان سود گزارش شده می‌گردد. از این رو، در این پژوهش سعی بر آن است که رابطه بین اجتناب مالیاتی و تاخیر اعلان سود سالانه شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. پرسش اصلی تحقیق آن است که آیا بین اجتناب مالیاتی و تاخیر اعلان سود شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، نوع رابطه چگونه می‌باشد؟ اهمیت تاثیر زمان اعلان سود شرکت‌ها بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به موقع سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه، نقش درآمدهای مالیاتی دولت در برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی و همچنین فقدان پژوهش‌های کافی، این انگیزه را در نویسندگان مقاله حاضر بوجود آورد که موضوع فوق را به عنوان یک مطالعه پژوهشی برگزینند. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاوردها و ارزش افزوده علمی به شرح زیر داشته باشد: نخست اینکه نتایج پژوهش می‌تواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط با اجتناب مالیاتی شود. دوم اینکه، شواهد پژوهش نشان خواهد داد که تا چه اندازه اجتناب مالیاتی می‌تواند بر تاخیر اعلان سود شرکت‌ها تأثیرگذار باشد که این موضوع می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی، قانون‌گذاران حوزه بازار سرمایه و سایر ذینفعان قرار دهد. سوم اینکه، نتایج پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی را برای انجام پژوهش‌های جدید در حوزه حسابداری مالیاتی پیشنهاد نماید.

۲- مبانی نظری و تدوین فرضیه پژوهش

زمان بندی اعلان سود

بسیاری از استفاده‌کنندگان از اطلاعاتی که توسط شرکت‌ها با زمان‌بندی مشخص در بازار سرمایه منتشر می‌شود، بهره می‌گیرند. انتشار اطلاعات به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا فرآیند تصمیم‌گیری خود را بهبود بخشند، لذا زمان‌بندی اعلان اطلاعات بر میزان تأثیرگذاری بر بازار از اهمیت خاصی برخوردار است. در این راستا، اطلاعات مربوط به سود از جمله اطلاعاتی است که بیشتر از بقیه مورد توجه قرار گرفته و بیشتر ارائه می‌گردد (قائم‌ی و همکاران، ۱۳۹۱). بسیاری از محققان دریافته‌اند سودهایی که پس از بسته شدن بازار یا در روزهای پایان هفته منتشر شده، شامل اخبار بدتری بوده‌اند. به زعم آن‌ها، مدیران به شکل فرصت طلبانه‌ای اعلام اخبار نامطلوب را طوری زمان‌بندی می‌کنند که از مزایای کاهش توجه سرمایه‌گذاران و پوشش رسانه‌ای در پایان روز کاری و پایان هفته استفاده کنند. به بیان دیگر، مدیران اخبار نامطلوب را در زمان‌های مورد توجه سرمایه‌گذاران پنهان می‌کنند تا واکنش منفی بازار را کاهش دهند (پاتل و ولفسون، ۱۹۸۲؛ دلاوینگا و پولت، ۲۰۰۹). تمایل مدیران جهت به تأخیر انداختن گزارش‌های حاوی اخبار بد سود از جمله مواردی است که موجب عدم دسترسی به موقع به اطلاعات مالی می‌شود که این امر در ادبیات حسابداری به عنوان "فرضیه افشای راهبردی" معرفی شده است. از نظر برخی پژوهشگران، عوامل متعددی بر انتخاب‌های پیش روی مدیریت جهت افشای اطلاعات مربوط به سود و انتخاب زمان انتشار این اطلاعات مؤثر است که از آن جمله می‌توان به فعالیت‌های برنامه‌ریزی یا اجتناب مالیاتی شرکت اشاره نمود (دسای و دارمپالا، ۲۰۰۶؛ کرابتری و کوییک، ۲۰۱۴).

اجتناب مالیاتی

موضوع مالیات بر عملکرد، بخش مهمی از حوزه ادبیات مالی و اقتصادی هر کشور محسوب می‌شود. محیط اطلاعاتی حسابداری در ایران به گونه‌ای است که مالیات یکی از ارکان اثرگذار بر گزارشگری مالی به شمار می‌رود. این موضوع تا اندازه‌ای حائز اهمیت است که طبق مفاد استاندارد حسابداری شماره ۲ ایران، برای گزارشگری جریان‌های نقدی مختص به مالیات بر عملکرد طبقه‌بندی جداگانه‌ای پیش‌بینی شده است. علاوه بر این، بنا بر الزامات افشای استانداردهای حسابداری ایران، در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی باید اطلاعات تفصیلی درباره مالیات ابرازی، تشخیصی و قطعی افشا گردد (استانداردهای حسابداری ایران، ۱۳۹۳). ضمن آن که عمده منبع درآمدهای مالیاتی در ایران به مالیات بر درآمد (عملکرد) شرکت‌ها اختصاص دارد. در این راستا، پرداخت مالیات نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به طوری که

همیشه دولت‌ها درصددند با وضع قوانینی زمینه‌های این کار را فراهم سازند. اما مؤدیان مالیاتی بنا به دلایل گوناگون از روش‌های اجتناب مالیاتی یا فرار مالیاتی، سعی در پرداخت مالیات کمتری دارند. نمود این موضوع در برخی از متغیرهای مالی مشاهده می‌شود که در این راستا می‌توان به تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات و همچنین نرخ مؤثر مالیات به عنوان معیاری از وضعیت اجتناب مالیاتی اشاره نمود (کرایتری و کویبک، ۲۰۱۴).

تاکنون هیچ‌گونه تعریف جامع و قابل قبولی از اجتناب مالیاتی در ادبیات حسابداری صورت نگرفته است. با توجه به سطح وسیعی از تعاریف مطرح شده در این زمینه، اجتناب مالیاتی بیانگر یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه‌ریزی مالی استراتژیک است که در برگیرنده فعالیت‌های کاملاً قانونی است که از آن جمله می‌توان به هدایت منابع واحد تجاری در جهت فعالیت‌های معاف از مالیات از جمله سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت، مطرح کردن معاملات و رویدادها در یک محدوده زمانی معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی و استفاده از روش‌های حسابداری که صرفه جویی مالیاتی بیشتری ایجاد می‌کنند، اشاره نمود (خواجوی و کیامهر، ۱۳۹۴).

فعالیت‌های اجتناب از مالیات اساساً تحت عنوان شیوه‌هایی برای جلوگیری از انتقال وجه نقد از سهامداران به سوی دولت شناخته می‌شود که این امر افزایش ارزش شرکت را نیز در بر خواهد داشت. با این حال، اجتناب مالیاتی همیشه به نفع سهامداران نبوده و مدیران فرصت طلب ممکن است به بهانه اجتناب مالیاتی منابع را در جهت منافع شخصی هدایت نمایند، که این موضوع موجب افزایش هزینه‌ای سهامداران و در نتیجه، فزونی مخارج اجتناب مالیاتی به منافع آن می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۴). افزون بر این، اجتناب مالیاتی پیامدهای نامطلوب متعددی را در بازار سرمایه به دنبال خواهد داشت که از مهم‌ترین آنها، می‌توان به تأخیر در اعلان سود شرکت اشاره نمود. در ادبیات حسابداری دلایل متعددی برای پشتیبانی از چنین رابطه‌ای ارائه شده است: نخست، از آنجا که برنامه‌ریزی‌های اجتناب از پرداخت مالیات شرکت مستلزم پنهان نمودن حقایق و انجام معاملات پیچیده می‌باشد، لذا زمان بر بوده و موجب صرف زمان زیادی از سوی مدیران جهت تحریف و مدیریت سود گزارش شده و متعاقباً وقفه در اعلان سود سالانه شرکت می‌گردد. دوم اینکه، بر پایه مطالعات صورت گرفته پیرامون محتوای اطلاعاتی اجتناب مالیاتی، مالیات بر درآمد یکی از نشانه‌های سودآوری شرکت بوده و اجتناب مالیاتی موجب کاهش محتوای اطلاعاتی سود می‌گردد. لذا در شرکت‌های دارای فعالیت اجتناب مالیاتی، مدیران اعلان سود سالانه را به تأخیر می‌اندازند تا فرصت بیشتری برای اعمال مدیریت سود داشته و بدین طریق بتوانند واکنش منفی بازار نسبت به این خبر بد سود

را کاهش دهند (هانلون و همکاران، ۲۰۰۵؛ آیرز، ۲۰۰۹). بر پایه این استدلال، دسای و دارماپالا (۲۰۰۶) شواهدی مبنی بر وجود رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود شرکت‌ها ارائه نمودند. به طور مشابه، کرابتری و کویک (۲۰۱۴) نیز دریافتند که فعالیت اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، سبب تأخیر در اعلان سود آن‌ها می‌گردد. لذا با توجه به مطالب مطروحه فوق، فرضیه پژوهش به صورت زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه پژوهش: بین فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و تأخیر در اعلان سود شرکت‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

۳- پیشینه پژوهش

عباد و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود با عنوان "استراتژی‌های زمان‌بندی اعلان سود" و با انتخاب نمونه‌ای از ۳۰۸ شرکت اسپانیایی طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها تمایل دارند که اخبار بد (خوب) در خصوص سود را در ساعات معاملاتی (یا غیرمعاملاتی) سهام به بازار اعلان نمایند.

فرانک و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین گزارشگری مالیاتی متهورانه با گزارشگری مالی متهورانه در شرکت‌های آمریکایی پرداختند. نمونه آماری این تحقیق متشکل از ۴۹۸۸۶ شرکت-سال مشاهده طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که میان این دو، رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

آتوود و همکاران (۲۰۱۰) ارتباط بین اجتناب مالیاتی با پایداری سود و رابطه بین سود و جریان نقدی آتی را بررسی نمودند. در این تحقیق از تفاوت دفتری مالیات به عنوان سنج اجتناب مالیاتی استفاده شد و نتایج نشان داد که اجتناب مالیاتی سبب کاهش پایداری سود شده و بر رابطه بین سود با جریان نقدی آتی، اثر منفی معناداری دارد.

وانگ (۲۰۱۰) با انتخاب نمونه‌ای مشتمل بر ۱۵۰۰ شرکت آمریکایی به بررسی ارتباط بین شفافیت اطلاعاتی با اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت‌های با شفافیت اطلاعاتی بیشتر در مقایسه با سایر شرکت‌ها موضع متهورانه‌تری برای اجتناب مالیاتی اتخاذ می‌کنند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاران برای شرکت‌های دارای اجتناب مالیاتی، ارزش بیشتری قائل بوده که با کاهش شفافیت اطلاعاتی، ارزش شرکت نیز کاهش می‌یابد.

کیم و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی ارتباط میان اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، اجتناب مالیاتی ابزاری برای مدیران فراهم می‌آورد که آنان را قادر می‌سازد رفتار فرصت طلبانه خود را تسهیل نموده و اخبار بد را پنهان نمایند. بدین ترتیب، با انتشار یکباره این اخبار بد، قیمت سهام سقوط می‌کند.

بالاکریشن و همکاران (۲۰۱۲) تاثیر گزارشگری مالیاتی متهورانه بر شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها را برای نمونه‌ای از ۲۹۹۷۰ شرکت - سال مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹ مورد بررسی قرار دادند. آنها در این تحقیق از متغیرهای تفاوت دفتری مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی برای سنجش اجتناب مالیاتی استفاده نموده و به این نتیجه رسیدند که گزارشگری مالیاتی متهورانه باعث کاهش شفافیت اطلاعاتی شرکت می‌شود.

میبیری و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رابطه هموارسازی سود مشمول مالیات، اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی آن پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که شرکت‌های با سود مشمول مالیات هموارتر، از نتایج اجتناب مالیاتی مطلوبی برخوردار هستند. علاوه بر این، آنها دریافتند که هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات را کاهش می‌دهد. کرابتری و کوییک (۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان "اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود سالیانه شرکت‌ها" و با به کارگیری دو سنجح تفاوت دفتری مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی به بررسی ارتباط بین این متغیرها در بازار سرمایه آمریکا پرداختند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۶۳۴۰ شرکت - سال مشاهده طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۰ بوده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که افزایش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، سبب تاخیر در اعلان سود آن‌ها می‌گردد. چن و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی ارتباط میان اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت و همچنین تأثیر شفافیت اطلاعاتی بر رابطه بین آن‌ها، پرداختند. با بهره‌گیری از مدل‌های رگرسیون چند متغیره نتایج حاکی از آن است که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه منفی معناداری وجود دارد. علاوه بر این نتایج نشان داد که با افزایش شفافیت اطلاعاتی، اثر منفی اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت کاهش می‌یابد.

گو و همکاران (۲۰۱۶) تأثیر اجتناب مالیاتی بر هزینه حقوق صاحبان شرکت‌ها را بررسی نمودند. در این تحقیق از سه سنجح سود حسابداری مشمول مالیات، تفاوت دفتری مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی به عنوان شاخص‌های اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین آنها دریافتند که در

شرکت‌هایی با نظارت خارجی بهتر و نیز شرکت‌های با کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتر، این رابطه قوی‌تر است.

اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۳) رابطه بین هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات را برای نمونه‌ای مشتمل بر ۸۷ شرکت طی دوه ۸ ساله از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که هموارسازی سود مشمول مالیات رابطه مثبت و معناداری با اجتناب مالیاتی دارد ولی با محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات رابطه معناداری مشاهده نشد. رحمانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با اجتناب از مالیات، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ پرداختند. نتایج این بررسی حاکی از آن است که بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با اجتناب از مالیات رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

پورحیدری و گل محمدی شورکی (۱۳۹۴) تأثیر ریسک وضعیت مالیاتی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها را برای نمونه‌ای متشکل از ۶۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی (یا مثبت) و معناداری میان نرخ مؤثر مالیات (ریسک وضعیت مالیاتی) و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد.

عرب صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی را بررسی نمودند. با انتخاب نمونه‌ای از ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ و با بهره‌گیری از الگوی رگرسیون چندمتغیره نتایج پژوهش نشان داد که اثر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، مثبت و معنادار است.

سپاسی و فتحی (۱۳۹۴) طی پژوهشی تأثیر برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی شامل نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره را بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره، تأثیر معناداری بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی ندارد. اما این درحالی است که وضعیت مالیاتی و نسبت بازده دارایی‌ها به ترتیب رابطه‌ای منفی و مثبت با سیاست تقلیل دهنده مالیاتی دارند.

خواجوی و کیامهر (۱۳۹۴) طی پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی پرداختند. نمونه انتخابی تحقیق شامل ۱۳۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ بوده است. با به‌کارگیری

مدل‌های رگرسیون چندمتغیره، یافته‌های پژوهش نشان داد که کیفیت حسابرس (اندازه مؤسسه حسابرسی) بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بر اساس نرخ مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات، تأثیر مثبت معناداری دارد. این در حالی است که کیفیت حسابرسی (دوره تصدی حسابرس) بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تنها بر اساس نرخ مؤثر مالیاتی، تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۴- روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، تحقیقی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده از نوع تحقیقات نیمه تجربی پس رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد و نمونه انتخابی تحقیق نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

۱- شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آنها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۸۹ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۳ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.

۲- به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

۳- طی سال‌های مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.

۴- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند).

۵- طول وقفه انجام معاملات در این شرکت‌ها طی دوره زمانی مذکور بیشتر از ۶ ماه نباشد.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۱۰۷ شرکت به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. داده‌های تحقیق حاضر از لوح‌های فشرده آرشیو آماری و تصویری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران و دیگر پایگاه‌های مرتبط و نیز از نرم افزارهای تدبیر پرداز و دناسهم استخراج گردید. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews صورت گرفته است.

۵- مدل و متغیرهای مورد استفاده در آن

به منظور آزمون فرضیه پژوهش از الگوی زیر که برگرفته از پژوهش کرابتری و کوبیک (۲۰۱۴) می‌باشد، استفاده شده است:

$$DELAY_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TAX_{i,t} + \beta_2 LOSS_{i,t} + \beta_3 OPIN_{i,t} + \beta_4 BIG_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t}$$

$$+\beta 7LEV_{i,t} + \beta 8PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق:

متغیر وابسته

$DELAY_{i,t}$: تاخیر در اعلان سود شرکت i در سال t که از طریق فاصله زمانی تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ اعلان سود سالیانه شرکت محاسبه می شود (کراپتری و کوییک، ۲۰۱۴).

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر، اجتناب مالیاتی (TAX) است که به منظور اندازه گیری آن مطابق با پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۴)، کراپتری و کوییک (۲۰۱۴) و عرب صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) از دو سنجه استفاده شده است. سنجه اول اجتناب مالیاتی، تفاوت دفتری مالیات (BTD) از طریق تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات شرکت بدست می آید که سود مشمول مالیات نیز از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه می گردد که به منظور همگن سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی ها تقسیم شده است.

دومین سنجه اجتناب مالیاتی، نرخ موثر مالیاتی (ETR) بوده که به صورت زیر محاسبه می شود:

$$ERT_{i,t} = \frac{TTE_{i,t}}{PTE_{i,t}}$$

که در آن:

$ETR_{i,t}$: نرخ موثر مالیاتی شرکت i در سال t ،

$TTE_{i,t}$: کل هزینه مالیات شرکت i در سال t ؛ و

$PTE_{i,t}$: سود قبل از مالیات شرکت i در سال t است.

از آنجا که هر چه نرخ موثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (-۱) ضرب می شود.

متغیرهای کنترلی

$LOSS_{i,t}$: متغیر مجازی بوده که اگر شرکت i در سال t زیان گزارش کرده باشد، مقدار آن برابر با یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود.

$OPIN_{i,t}$: متغیری مجازی که اگر گزارش حسابرس شرکت i در سال t مقبول باشد به آن عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص داده می شود.

$BIG_{i,t}$: اگر حسابرس شرکت i در سال t سازمان حسابرسی باشد، مقدار آن یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

$SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t که از طریق لگاریتم طبیعی فروش خالص سالیانه شرکت اندازه گیری می شود.

$MTB_{i,t}$: فرصت های رشد شرکت i در سال t که از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت بر ارزش دفتری آن محاسبه می شود.

$LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t که از تقسیم مجموع بدهی ها بر ارزش دفتری دارایی های شرکت بدست می آید؛

$PPE_{i,t}$: نسبت دارایی های ثابت مشهود به کل دارایی های شرکت i در سال t می باشد.

از آنجا که در این تحقیق برای سنجش اجتناب مالیاتی از دو سنجح تفاوت دفتری مالیات (BTD) و نرخ موثر مالیاتی (ETR) استفاده شده است، لذا مدل فوق، برای هر یک از معیارهای اجتناب مالیاتی به صورت جداگانه برآورد می گردد. به منظور برآورد مدل های تحقیق از تکنیک داده های تلفیقی استفاده شده است. داده های تلفیقی که از ترکیب دو دسته داده های سری زمانی و مقطعی حاصل می شود، امروزه به طور گسترده ای توسط محققین مورد استفاده قرار می گیرد. در بسیاری از موارد، محققین از این روش برای مواردی که نمی توان مسائل را به صورت سری زمانی یا مقطعی بررسی نمود و یا زمانی که تعداد داده ها کم است، استفاده می کنند. ادغام داده های سری زمانی و مقطعی و ضرورت استفاده از آن بیشتر به دلیل افزایش تعداد مشاهدات، بالا بردن درجه آزادی، کاهش ناهمسانی واریانس و کاهش همخطی میان متغیرها می باشد (گجراتی، ۲۰۰۹).

۶- یافته های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد مدل و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص های مرکزی و پراکندگی می باشد را برای نمونه ای متشکل از ۵۳۵ شرکت- سال مشاهده در فاصله زمانی سال های ۱۳۸۹-۱۳۹۳ نشان می دهد.

جدول (۱) - آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میان	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
DELAY	۵۳۵	۹۱/۱۲۸	۸۶/۰۲۱	۲۵	۲۴۹	۳/۴۶۳
BTD	۵۳۵	۰/۰۸۵	۰/۰۶۳	-۰/۰۴۹	۰/۵۳۶	۰/۱۰۹
ETR	۵۳۵	-۰/۱۴۶	-۰/۱۳۱	-۰/۴۱۲	۰/۰۳۱	۰/۱۸۴
LOSS	۵۳۵	۰/۰۶۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۳۸
OPIN	۵۳۵	۰/۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۴۱۲
BIG	۵۳۵	۰/۴۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۵۱۳
SIZE	۵۳۵	۱۰/۶۳۱	۱۰/۴۰۷	۹/۸۶۴	۱۲/۷۲۶	۰/۵۸۷
MTB	۵۳۵	۱/۶۵۲	۱/۴۳۶	۰/۵۲۹	۳/۶۰۵	۱/۲۱۶
LEV	۵۳۵	۰/۴۷۹	۰/۴۵۷	۰/۱۲۳	۰/۷۶۳	۰/۴۴۲
PPE	۵۳۵	۰/۵۶۷	۰/۵۴۹	۰/۰۲۱	۰/۸۸۳	۰/۳۱۷

منبع: یافته‌های محقق

همان گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، میانگین متغیر تأخیر در اعلان سود سالانه شرکت‌های مورد بررسی حدود ۹۱ روز است. مشاهده مقدار میانگین تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD) حاکی از آن است که به طور متوسط سود قبل از مالیات شرکت‌ها بیشتر از سود مشمول مالیات آنها است. میانگین نرخ موثر مالیاتی نیز ۰/۱۴۶ بوده که با توجه به نرخ قانونی مالیات بر عملکرد شرکت‌های بورسی (۲۲/۵ درصد)، می‌توان گفت به طور کلی وضعیت مالیاتی شرکت‌ها با سیاست‌های مالیاتی سازگار نیست. همچنین حدود ۶ درصد شرکت‌های مورد بررسی دارای زیان قبل از کسر مالیات بودند. اندازه شرکت نیز که از طریق لگاریتم فروش سالانه شرکت محاسبه می‌گردد، دارای مقدار میانگین ۱۰/۶۳۱ و میانه ۱۰/۴۰۷ بوده که حداقل و حداکثر مقدار این متغیر به ترتیب برابر با ۹/۸۶۴ و ۱۲/۷۲۶ می‌باشد. علاوه بر این، ملاحظه مقدار میانگین متغیر اهرم مالی حکایت از آن دارد که به طور متوسط حدود ۴۸ درصد از دارایی‌های شرکت‌های نمونه از محل بدهی تامین مالی شده است.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

با توجه به روش مدل سازی داده های تلفیقی، ابتدا باید مشخص نمود که کدام یک از فروض یکسان

بودن عرض از مبدأها یا متفاوت بودن آنها برای مقاطع، می بایست اعمال گردد. بدین منظور از آزمون F لیمر استفاده می شود. در این آزمون، فرضیه H_0 ، نشان دهنده یکسان بودن عرض از مبدأها بوده و در مقابل فرضیه H_1 ، دلالت بر ناهمسانی عرض از مبدأها دارد. چنان چه آماره F محاسباتی بیشتر از F جدول باشد، فرضیه صفر (H_0) رد شده و متفاوت بودن عرض از مبدأها برای مقاطع مختلف پذیرفته می شود. نتایج مربوط به آزمون F در جدول (۲) نشان داده شده است:

جدول (۲) - نتایج آزمون F لیمر برای مدل های تحقیق

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آماده F	سنجه اجتناب مالیات	مدل
رد H_0	۰/۰۰۰	۳/۸۹۲	BTD	مدل (۱)
رد H_0	۰/۰۰۰	۴/۰۱۳	ETR	مدل (۲)

منبع: یافته های محقق

نتایج این جدول نشان می دهد فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبدأها در مقاطع مختلف برای تمامی مدل ها رد می شود. پس از مشخص شدن این که عرض از مبدأ برای مقاطع مختلف یکسان نیست، باید روش مورد استفاده در برآورد مدل (اثرات ثابت یا تصادفی) تعیین گردد که بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده می شود. در این آزمون فرضیه H_0 ، مبنی بر سازگاری تخمین های اثر تصادفی در مقابل فرضیه H_1 ، مبنی بر ناسازگاری تخمین های اثر تصادفی قرار می گیرد. بنابراین در صورتی که H_0 پذیرفته شود، روش اثرات تصادفی بر روش اثرات ثابت مرجح خواهد بود و در غیر این صورت، روش اثرات ثابت بر روش اثرات تصادفی برتری خواهد داشت. نتایج مربوط به آزمون هاسمن در جدول (۳) نشان داده شده است:

جدول (۳) - نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و اثرات تصادفی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آماره χ^2	سنجه اجتناب مالیاتی	مدل
رد H_0	۰/۰۲۷	۱۷/۴۱۶	BTD	مدل (۱)
رد H_0	۰/۰۲۲	۱۷/۷۰۴	ETR	مدل (۲)

منبع: یافته های محقق

نتایج جدول فوق بیانگر آن است که فرضیه صفر رد شده، لذا مدل‌ها باید به روش اثرات ثابت برآورد گردد. به منظور تشخیص نرمال بودن توزیع اجزای اخلال مدل نیز از آزمون جارک- برا استفاده گردید. از آنجا که نتیجه احتمال آماره جارک- برا، برای مدل‌های تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای اخلال را نمی‌توان رد کرد؛ پس توزیع اجزای اخلال نرمال است. ضمن آن که، بر اساس قضیه حد مرکزی، در داده‌هایی که تعداد مشاهده‌ها زیاد است، ضرایب نرمال محسوب می‌شوند، هرچند توزیع اجزا نرمال نباشد (گجراتی، ۲۰۰۹). در این تحقیق همچنین، برای آزمون همبستگی بین پسماندها از آماره دوربین- واتسن و برای رفع ناهمسانی واریانس، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. علاوه بر این، به منظور اطمینان از عدم وجود مشکل همخطی چندگانه بین متغیرها، آزمون همخطی با استفاده از عامل تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به آن که مقادیر این آماره برای متغیرهای توضیحی کمتر از ۱۰ است، می‌توان دریافت که مشکل همخطی چندگانه تهدیدی جدی برای مدل محسوب نمی‌شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش به طور جداگانه بر اساس هر یک از دو سنجه تفاوت دفتری مالیات (BTD) و نرخ موثر مالیاتی (ETR) برای اجتناب مالیاتی، در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول (۴) - نتایج برآورد مدل اول بر اساس دو سنجه اجتناب مالیاتی

(TAX=ETR)		(TAX =BTD)		
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	متغیر
۳/۵۰۵	۵۳۰**	۳/۳۷۲	۱/۵۶۸**	C
۳/۴۵۰	۲/۵۸۰**	۲/۷۹۶	۱/۰۹۵**	TAX
۲/۲۳۷	۰/۰۵۵*	۲/۳۸۸	۰/۰۵۸*	LOSS
-۲/۶۰۱	-۰/۰۹۷**	-۲/۲۱۲	-۰/۰۸۸*	OPIN
-۱/۳۶۶	-۰/۰۰۴	-۱/۷۴۴	-۰/۰۰۵	BIG
-۲/۳۶۲	-۰/۰۲۶*	-۲/۲۱۹	-۰/۰۲۳*	SIZE
۱/۵۳۵	۰/۰۸۲	۱/۵۳۱	۰/۰۸۱	MTB
۲/۱۱۵	۰/۰۸۶*	۲/۲۱۰	۰/۰۹۰*	LEV
-۰/۱۵۶	-۰/۰۰۱	-۰/۰۶۲	-۰/۰۰۱	PPE
۱۰/۰۲۶**	آماره F	۱۰/۰۱۸**		آماره F

۰/۵۸۱	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۶۲	ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۹۷۹	آماره دوربین واتسن	۱/۹۸۳	آماره دوربین واتسن
و به ترتیب بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۵٪ و ۱٪ می باشد.			

منبع: یافته‌های محقق

ملاحظه مقادیر آماره‌های F در این جدول، بیانگر معناداری کلی مدل‌های رگرسیونی برازش شده در سطح اطمینان ۰/۹۹ است. مقادیر آماره دوربین- واتسن نیز حکایت از عدم وجود مشکل خود همبستگی در میان جملات پسماند دارد. همان گونه که در این جدول مشهود است، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر اجتناب مالیاتی (TAX) در هر دو مدل مثبت و در سطح خطای ۱ درصد معنادار است. بدین ترتیب، فرضیه پژوهش در سطح خطای ۱ درصد تایید می‌گردد.

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با تاخیر در اعلان سود شرکت‌ها می‌باشد. برای دستیابی به این هدف نمونه‌ای متشکل از ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ در نظر گرفته شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها سبب تاخیر در اعلان سود سالانه آن‌ها می‌شود. در خصوص تأیید فرضیه مذکور می‌توان چنین استدلال نمود که به دلیل آن که فعالیت‌های برنامه‌ریزی اجتناب از پرداخت مالیات شرکت مستلزم پنهان نمودن حقایق و انجام معاملات پیچیده می‌باشد، لذا زمان بر بوده و موجب صرف زمان زیادی از سوی مدیران جهت تحریف و مدیریت سود گزارش شده و متعاقباً وقفه در اعلان سود سالانه شرکت می‌گردد. علاوه بر این، از آنجا که اجتناب مالیاتی موجب کاهش محتوای اطلاعاتی سود می‌گردد، لذا در شرکت‌های دارای فعالیت اجتناب مالیاتی، مدیران اعلان سود سالانه را به تاخیر می‌اندازند تا فرصت بیشتری برای اعمال مدیریت سود داشته و بدین طریق بتوانند واکنش منفی بازار نسبت به این خبر بد سود را کاهش دهند. نتیجه بدست آمده در این پژوهش، با یافته‌های تحقیق دسای و دارمپالا (۲۰۰۶) و کرابتری و کویک (۲۰۱۴) نیز همخوانی دارد. بر مبنای یافته‌های حاصل از این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- با توجه به وجود رابطه معنادار بین فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و تأخیر در اعلان سود شرکت‌ها به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه، پیشنهاد می‌شود که هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری در کنار سایر متغیرهای مالی به نرخ موثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات شرکت نیز توجه نموده و آن‌ها را به عنوان

عوامل اثرگذار بر زمان اعلان سود شرکت‌ها در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند.

۲- بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران حوزه مالیاتی و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، سیستم‌های مالیاتی آینده و استانداردهای حسابداری را به گونه‌ای طراحی کنند که شکاف بین سود حسابداری و مشمول مالیات کاهش یافته تا بدین طریق زمینه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و به تبع آن، تاخیر در اعلان سود شرکت‌ها کاهش یابد.

۳- پیشنهاد می‌گردد مالکان شرکت‌ها تدابیری اتخاذ نمایند که رویه‌های مالیاتی شرکت با شفافیت بیشتری اجرا شود، تا فرصت‌های انحراف منافع و رفتار فرصت طلبانه مدیران و متعاقباً تاخیر در اعلان سود شرکت‌ها به حداقل برسد. به‌طور مثال، افرادی مستقل از مدیران شرکت به بررسی دوره‌ای سیاست‌های مالیاتی شرکت بپردازند.

۴- به دست‌اندرکاران و تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی نیز پیشنهاد می‌گردد تا ضمن آموزش فرهنگ پرداخت مالیات به اشخاص حقوقی و حقیقی، قوانین مالیاتی که امکان‌گیز از مالیات برای مؤدی را فراهم می‌سازند، شناسایی، بررسی و نسبت به آنها تجدید نظر شود.

در ادامه این تحقیق، برخی از موضوعات مهمی که می‌توانند در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرند عبارتند از:

۱- انجام تحقیق حاضر به تفکیک صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران به منظور کنترل تأثیر صنعت.

۲- بررسی اثر اجتناب مالیاتی بر محتوای اطلاعاتی و کیفیت سود.

۳- بررسی اثر تعدیل‌کنندگی نظارت خارجی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و تاخیر اعلان سود شرکت‌ها.

فهرست منابع

۱. اسمعیلی، سعید؛ جبارزاده کنگرلوئی، سعید و متوسل، مرتضی (۱۳۹۳). بررسی رابطه هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۴، صص ۱۱۳-۱۳۳.
۲. پورحیدری، امید و گل محمدی شورکی، مجتبی (۱۳۹۴). تأثیر ریسک وضعیت مالیاتی شرکت بر حق الزحمه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۳۰۱-۳۱۸.
۳. خواجهی، شکراله و کیامهر، محمد (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۶، صص ۸۷-۱۰۸.
۴. رحمانی، علی؛ ملانظری، مهناز و اربابی بهار، زهرا (۱۳۹۳). بررسی رابطه تفاوت مالیات تشخیصی و مالیات ابرازی با اجتناب از پرداخت مالیات. پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵ (مسلسل ۷۳).
۵. سپاسی، سحر و فتحی، زهرا (۱۳۹۴). تأثیر حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، سال ۸، شماره ۲۵، صص ۴۹-۵۹.
۶. عرب صالحی، مهدی و هاشمی، مجید (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۴.
۷. قائمی، محمدحسین؛ جهانفر، حسن و رضایی، فرامرز (۱۳۹۱). بررسی مدیریت زمان اعلان سود شرکت‌ها. دانش حسابداری، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۸۵-۱۰۴.
8. Abad, D., Sanabria S, Yague J. (2009). Strategic timing of annual earnings announcements: evidence from an order driven market. *Rev Quant Financ Acc*, Vol. 32, pp. 287-308.
9. Atwood, T.J. Drake, Michael S. and Myers, Linda A. (2010). Book-Tax Conformity, Earnings Persistence and the Association between Earnings and Future Cash Flows, *Forthcoming, Journal of Accounting and Economics*.
10. Ayers, B.C. Jiang, J. and Laplante, S.K. (2009). Taxable income as a performance measure: the effects of tax planning and earnings quality, *Contemporary Accounting Research*, Vol. 26 No. 1, pp. 15-54.

11. Bagnoli M, Kross W, Watts, S. (2002). The information in management's expected earnings report date: a day late, a penny short. *Journal of Accounting Research*, 40(5):1275–1296.
12. Balakrishnan, K. Blouin, J. and Guay, W. (2011). Does tax aggressiveness reduce financial reporting transparency?, available at: <http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract>.
13. Chen, X. Hu, N. Wang, X. Tang, X. (2014). Tax avoidance and firm value: evidence from China, *Nankai Business Review International*, Vol. 5, Iss1, pp. 25–42.
14. Crabtree, A.D., Kubick, T, R. (2014). Corporate tax avoidance and the timeliness of annual earnings announcements. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 42, pp. 51–67.
15. DellaVigna, Stefano., and Joshua, M. Pollet. (2009). inattention and Friday earnings announcements. *Journal of Finance*, 64, pp.709–749.
16. Desai M., and Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79 (1), pp. 145-179.
17. Doyle, J. and Magilke, M. (2009). The timing of earnings announcements: an examination of the strategic disclosure hypothesis. *Accounting Review*, 84(1), pp.157–182.
18. Frank M, Lynch L, Rego S. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting. *Account Review*, 64(2), pp.467–496.
19. Goh, B.W. Lee, J. Lim, Ch. & Shevlin, T. (2016). The Effect of Corporate Tax Avoidance on the Cost of Equity, Available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2737784.
20. Hanlon, M. Laplante, S.K. and Shevlin, T. (2005). Evidence for the possible information loss of conforming book income and taxable income, *Journal of Law & Economics*, Vol. 48 No. 2, pp. 407-442.
21. Kim, J. Li, Y. Zhang, L. (2011). Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash

22. Risk: Firm-Level Analysis. *Journal of Financial Economics*, 100(4), pp.639 – 662.
23. Kothari, S., Shu, S., Wysocki, P. (2009). Do managers withhold bad news? *Journal of Accounting Research*, 47(1), pp.241–276.
24. Mayberry, M.A., McGuire, S.T., Omer, T. C. (2013). Smoothing taxable income, tax avoidance, and the information content of taxable income. Mays Business School Texas A&M University.
25. Patell, J., Wolfson, M. (1982). Good news, bad news, and the intraday timing of corporate disclosures. *Accounting Review*, 57(3), pp.509–527.
26. Wang, X. (2010). Tax avoidance, corporate transparency, and firm value, available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1904046.